



راه حل هایی برای مسائل جدایی و قلدری کتاب هایی برای مشکلات مدرسه

زهرا بزرگ زاده
روان شناس کودک

چالش های مدرسه رفتن هنوز برای خیلی از کودکان ادامه دارد. با گذشت دو ماه از شروع مدارس، بعضی از کودکان نمی توانند به راحتی از مادرشان جدا شوند و به کلاسشان بروند و مادران زیادی هنوز دم در کلاس می نشینند تا زنگ آخر بخورد و با کودکانشان به خانه برگردند. کودکانی که راحت تر به مدرسه می روند ممکن است چالش های دیگری را در مدرسه تجربه کنند مثل قلدری، پر خاشگیری، مسخره شدن و... در این نوشتار سه کتاب مرتبط با چالش های دوران مدرسه معرفی می کنیم که شاید برای شروع حل مشکل مفید باشد.



۲- سطل مهربانی، نوشته تام راث و ماری رکمایر، ترجمه لیلا کاشانی و حیدر، انتشارات مهرسا

سطل مهربانی، ظرفیت مهربانی و اعتماد به نفس ماست که بالای سرمان آویزان است. وقتی دیگران ما را مسخره می کنند یا به بازی راه نمی دهند یا هر شکست دیگری، سطل مهربانی مان قطره قطره خالی می شود و وقتی به دیگران محبت می کنیم یا دیگران از ما قدردانی می کنند سطل مان قطره قطره پر می شود. این کتاب به کودکان یک ملاک عینی می دهد تا متوجه شوند وقتی با دیگران نامهربانی می کنند چه اتفاقی می افتد و وقتی به دیگران محبت می کنند چه طور حال خودشان هم خوب می شود. شاید توضیح این مسائل بدون داشتن یک مثال عینی برای کودکان بسیار سخت باشد.



با گذشت دو ماه از شروع مدارس، بعضی از کودکان نمی توانند به راحتی از مادرشان جدا شوند و به کلاسشان بروند و مادران زیادی هنوز دم در کلاس می نشینند تا زنگ آخر بخورد و با کودکانشان به خانه برگردند



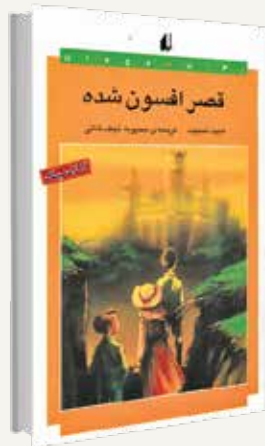
۱- طناب نامرئی، نوشته پاتریس کارست، ترجمه آریین الحسینی، انتشارات مهرسا

طناب نامرئی داستان عشق نامرئی آدم ها به یکدیگر است که باعث می شود به هم متصل بمانند و علی رغم فاصله ها با یکدیگر باشند. عشق نامرئی بین بچه ها و پدر مادرشان تا مدرسه، تا اردو، تا جنگل و دشت و شهرهای دیگر ادامه پیدا می کند و هر وقت که هر کدام به دیگری فکر کنند، عشق از طناب نامرئی می گذرد و به قلب دیگری می رسد. این گونه ما همیشه از حال هم باخبریم و همیشه می دانیم که یکدیگر را داریم حتی اگر دور از هم باشیم.



۳- یاستیل های ضد قلدری، نوشته جولیا کوک، ترجمه عرفانه جوادپور، انتشارات نردبان

این داستان به قلدری در مدرسه می پردازد اما نکته مهمش اینجاست که علاوه بر اینکه جرأت ورزی را به کودکان یاد می دهد، سعی می کند این حقیقت را نیز ببیند که قلدر و کسی که زورگویی می کند هم خودش مشکلاتی دارد و نباید از او غول بی شاخ و دمی ساخت که می شود فقط علیه اش مبارزه کرد. زورگو عمدتاً با این نقاب که بر چهره اش زده سعی دارد، نقص و ضعفش را بپوشاند یا مسأله ای که در خانه دارد را در مدرسه جبران کند. این کتاب به خوبی سعی می کند این مسائل را شفاف کند.



کتابی که نارنیا از آن الهام گرفت

سفر به قصر سحر و جادو

ریحانه عارف نژاد
خبرنگار

انسان را به راستگویی وادار می کند؛ گل سینه ای که کاربردش برآورده کردن آرزوهاست و حلقه ای که به محض رفتن به انگشت، صاحبش را نامرئی می کند! بچه ها پس از آشنایی با شاهزاده خانم قصر افسون شده، خودشان را در ماجراهایی عجیب و غریب پیدا می کنند. ماجراهایی که خلاص شدن از آنها به راحتی ممکن نیست. میبل بیچاره طلسم شده و نیاز به کمک دارد. ظاهر آن حلقه به غیر از نامرئی کردن، کارهای دیگری هم می کند... حالا شاید کمی جادو همان چیزی باشد که می تواند همه چیز را به حالت اولش برگرداند.

ما اکثر آدیت نربیت، نویسنده معروف انگلیسی را با کتاب بچه های راه آهن می شناسیم؛ کتابی که برای نویسنده اش شهرت زیادی به ارمغان آورد و اقتباس سینمایی هم از آن ساخته شد. ولی خانم نربیت در سراسر جهان بیشتر با کتاب قصر افسون شده شناخته می شود که اولین بار در سال ۱۹۰۷ به چاپ رسید. او با نوشتن این کتاب که یکی از آثار مهم در ادبیات کلاسیک نوجوان به شمار می آید، الهامبخش نویسنده های بزرگی شد تا آثار ماندگاری خلق کنند.

مثلاً سی. اس. لوئیس برای نوشتن «ماجراهای نارنیا» از این کتاب الهام گرفت و جی. آر. آر. تالکین هم ایده حلقه نامرئی کننده را برای نگارش «هابیت» و «رباب حلقه ها»، مدیون شاهزاده خانم این قصر بود.

شخصیت های این کتاب هر کدام ویژگی های منحصر به فردی دارند که آنها را به یادماندنی و باورپذیر می کند. آنها بچه هایی معمولی هستند که باید با کمک هم از عهده اتفاقات پیش رویشان بر بیایند. قصر افسون شده، افسانه ای سرگرم کننده و پرفراز و فرود است که مقداری جادو هم چاشنی آن شده. این ترکیب هیجان انگیز قطعاً تجربه لذت بخشی خواهد بود؛ خصوصاً اگر طرفدار داستان هایی با حضور شاهزاده خانم های قلابی و قصرهای سحرآمیز باشید.

روزهای طولانی تابستان می توانند سرشار از بازی و تفریح باشند، اما دقیقاً به همان اندازه هم ممکن است کسالت بار شوند. دقیقاً مثل تابستان جیمی، جرالد و کاتلین. خواهر و برادرهایی که مجبور شده اند تعطیلات شان را در مدرسه کاتلین بگذرانند. اما از بخت بدشان، سرخک شایع شده و متأسفانه دخترعمو این بیماری را گرفته است. برای همین این بچه ها فعلاً نباید به خانه برگردند تا سرخک در امان بمانند. به غیر از آنها و چند نفر از کادر مدرسه، هیچ کس آنجا نیست.

اما این طوری که تابستان مزه نمی دهد! گذراندن تعطیلات در مدرسه به قدر کافی بد به نظر می رسد و اگر کاری برای انجام دادن پیدا نکنند، وضعیت خسته کننده تر از اینها هم می شود. بچه ها دنبال راهی می گردند که کمی سرگرم و مشغول بشوند. کاتلین بدش نمی آید هر سه با کمک هم، وقت شان را صرف نوشتن کتابی خارق العاده کنند، اما پسرها پیشنهاد بیرون رفتن از مدرسه را می دهند. شاید ناهار خوردن در پیشه زار، بتواند آنها را کمی سرحال بیاورد و از یکنواختی روزهایشان کم کند.

این گردش یک روزه، شروع ماجراهایی است که هیچ کدام از بچه ها حتی در خواب هم نمی دیدند. همه چیز سریع و تصادفی اتفاق می افتد. آنها طی گردش شان، به یک «قصر» می رسند. قصری بزرگ با برج و باروهای بلند، یک دریاچه، مجسمه هایی از سنگ مرمر و باغی سرسبز... همه چیز دقیقاً مثل افسانه های پریان است. یعنی ممکن است این یک قصر افسون شده -مثل قصه ها- باشد؟ نه. امکان ندارد! مدت هاست که دیگر کسی سحر و جادو و اینجور چیزها را باور نمی کند. اما ملاقات با میبل، عقیده بچه ها را تغییر می دهد. او شاهزاده خانمی است که توسط آنها، پس از صدسال از خواب بیدار می شود! این شاهزاده خانم، جادوگری بلد است و چندین وسیله سحرآمیز در قصر دارد: دستبندی که



قصری بزرگ با برج و باروهای بلند، یک دریاچه، مجسمه هایی از سنگ مرمر و باغی سرسبز... همه چیز دقیقاً مثل افسانه های پریان است. یعنی ممکن است این یک قصر افسون شده -مثل قصه ها- باشد؟